



درسهای اخلاقی

پای درس آیت... سیستانی

برای ازدواج از فقر نترسید

● روزی که تراوی اعمال آدمیان برپا شود، نزدیکترین مردم به خداوند و دارنده سنگین‌ترین گناه، کسی است که خوش اخلاق تر باشد.

● به دست آوردن سرمایه هر چه با خستگی بیشتری باشد پاكی و برکت آن افزون تر است.

● بعضی از صفات ناپسند عبارتند از: تعصب‌های ناپسند، واکنش‌های شتابان، سرگرمی‌های پست، خودنمایی در برابر مردم، اسراف به هنگام برخورداری، تعدی به هنگام فقر، ناراضی‌تی در گرفتاری‌ها، بدرفتاری با دیگران به ویژه با ضعیفان، هدر دادن سرمایه، کفران نعمت، بافشاری با وقت‌گذرانی و بی‌اعتنایی آن را هدر ندهید. هر یک از شما باید چندان به حرفه و تخصص خود اهتمام ورزد که در آن به مهارت برسد.

● چه برانزده است زنی که با حفظ سنگینی و متانت ظاهر و رفتار خویش، به امر زندگی و کار و تحصیل خود می‌پردازد.

● هیچ کس نباید برای ازدواج از فقر بترسد؛ زیرا خداوند سبحان بخشی از انگیزه‌های روزی را در ازدواج قرار داده که انسان در نگاه اول، آن را به حساب نمی‌آورد. هر یک از شما باید به اخلاق و دین و اصالت کسی که با او ازدواج می‌کند دقت داشته باشد و در توجه به زیبایی و ظاهر و شغل وی زیاده‌روی نکند؛ زیرا این موارد مایه فریبگی است و هنگامی که زندگی چهره سختی و آزمایش خود را نشان می‌دهد، این بردها به سرعت کنار می‌رود. در حدیث، از ازدواج با زن فقط به خاطر زیبایی او پرهیز داده شده است. در کنار آن، باید دانست که هر کس به خاطر دین و اخلاق زنی، با او ازدواج کند، در این وصلت برای او برکت قرار داده‌اند.

بر اساس یک سرگذشت واقعی

وقتی مهری چمدانش را بست

فاطمه زردشتی نیری / گروه گزارش

گوشه خانه و بیکنیک را می‌گذاشتم جلویم و شروع می‌کردم به کشیدن... گفتم بار اول نه، بار دوم نه، رفته رفته برای مهری عادی می‌شود اما نشد... هر بار شروع می‌کردم به مصرف مواد، آنقدر می‌رفت و می‌آمد و غر می‌زد تا کار به کتک کاری می‌کشید. نه او کوتاه می‌آمد و نه من می‌توانستم قید مواد را بزنم. یکی دو بار سعی کردم ترک کنم اما به یکی دو ساعت نرسیده، همین که بدن دردم شروع می‌شد و آب دماغم راه می‌افتاد، فوری می‌رفتم سمت مواد... در آمدم خوب بود اما خب این مسلم است که یک آدم معتاد نمی‌تواند مثل یک آدم عادی کار کند. از آن طرف بخش زیادی از درآمد صرف مواد می‌شد... وضعیت‌مان با همه بدی و خوبی هم‌بطور پیش می‌رفت تا اینکه در یکی از شهبای زمستان مغازه‌ام آتش گرفت. این آتش فقط مغازه را نسوزاند که همه زندگی مرا سوزاند... خودم هم نفهمیدم مشکل از اتصال برق بود، از چه بود که هرچه داشتم نداشتم دود شد و به هوا رفت... بعد از آن دیگر زندگی‌ام روی خوم به خود ندید. مثل دیوانه‌ها شده بودم و اعصابم برابم نمانده بود. مصرف موادم بیشتر از پیش شده بود و با تمامه حساسی که داشتم فقط مواد می‌خریدم و دود می‌کردم و دود می‌کردم. از آن طرف رفتار مهری بدتر از قبل شده بود. نوق‌زدن‌ها و متلک‌هایش تبدیل به فحش شده بود و این بحث‌ها،



آن روز برای تفریح به کوه رفته بودیم که مواد را تعارفم کردند. بیست و هفت ساله بودم آن موقع. گفتم نه، اما اصرار کردند که بکش و بالاخره تسلیم شدم. حال عجیبی داشت مصرف اولین بار. بعد از آن، مواد جزء تقریحات نایتم شد. بدن دردم شروع می‌شد و آب بدون تعارف می‌نشستم پای بساط و شروع می‌کردم به کشیدن. خب بار اول و دوم، مواد مجانی بود اما جلسه سوم چهارم، با رفتار و طعنه دوستانم فهمیدم باید فکر کار خودم را بکنم و موادم را جور کنم... از آن روز به بعد خودم راه خانه مواد فروش را یاد گرفتم. یکی دو بار اول خرید مواد برابم سخت بود اما کم‌کم آن هم عادی شد... به چاه مهری نکشید که مهری از اعتیادم باخبر شد. بچه دوم را باردار بود که پایبندم شد و من هم اعتراف کردم که مواد مصرف می‌کنم. غوغایی به پا کرد خودم، چرا، من به جای اینکه آرامش کنم شروع کردم به کتک‌زدنش... آن روز شروع دعواهای من و مهری بود، دعواهایی که انگار تمامی نداشتم... فهمیدم مهری هر چند با غرغ همراهم بود اما کار مرا راحت کرد. حالا مجبور نبودم برای مصرف مواد در سرما و گرما به خانه‌ای آن و این پناه ببرم... می‌نشستم

آشپزباشی

طرز تهیه عصاره مرغ

عصاره مرغ یکی از طعم دهنده‌های پر مصرف بین‌المللی است که برای انواع غذاها از جمله سوپ، خورش و حتی پیتزا استفاده می‌شود. عصاره‌های دیگری هم هست از جمله گوشت و سبزی. این عصاره‌ها به غذا قوام می‌دهد و طعم خورش جا افتاده را در زمان بسیار کمتری ایجاد می‌کند.

مواد لازم:
ران مرغ: ۱ عدد / هویج: ۳ عدد متوسط / جعفری: ۱ لیوان ساقه کرفس: ۲ عدد / پیاز: ۱ عدد بزرگ / سیر: ۳ حبه برگ بو: ۳ عدد / شکر و نمک: هر کدام ۱ قاشق غذاخوری

دستور تهیه:
ابتدا هویج را پوست می‌گیریم و به همراه کرفس، پیاز، جعفری، سیر، و برگ بو داخل میکسر یا غذاساز می‌ریزیم تا کاملاً یکدست شوند. در ادامه استخوان‌های موجود در گوشت مرغ را خارج می‌کنیم. در این مرحله گوشت مرغ را نیز اضافه و با دیگر مواد میکس می‌کنیم تا یکدست شوند. سپس نمک و شکر را اضافه می‌کنیم و دوباره مواد را میکس می‌کنیم تا کاملاً مخلوط شوند. فر را با دمای ۱۸۰ درجه سانتیگراد روشن می‌کنیم. در این مرحله داخل سینی فر را با کاغذ روغنی پوشش می‌دهیم و سپس مواد را درون سینی فر به صورت یکدست پهن می‌کنیم. پس از اینکه فر کاملاً گرم شد، سینی فر را به مدت ۹۰ دقیقه درون فر قرار می‌دهیم. پس از مدتی مواد داخل سینی شروع به آب انداختن می‌کنند که با گذر زمان آب درون سینی فر کشیده و مواد خشک می‌شود. پس از اینکه آب درون سینی فر کشیده شد باید مواد را هر ۱۰ دقیقه یک بار زیر و رو کنیم تا نسوزد. پس از اینکه مواد کاملاً خشک شد، سینی فر را خارج می‌کنیم و اجازه می‌دهیم مواد خنک شود. در ادامه مواد را درون غذاساز یا میکسر می‌ریزیم و به طور کامل پودر می‌کنیم. سپس عصاره مرغ را درون یک ظرف دردار می‌ریزیم. این عصاره را می‌توانیم به مدت ۳ تا ۴ ماه با کیفیت و عطر عالی در ظرف دربسته (هوا ناپاید وارد ظرف شود) در فریزر نگهداری کنیم. برای مصرف هم هر قاشق چایخوری از این عصاره برابر با یک بسته استاک یا عصاره مرغ است.



بچه‌ها سلام

بچه‌ها سلام

شعر سوره حمد

بسم‌الله الرحمن الرحیم
به نام آن خدایی که خوب و مهربونه می‌بخشه و می‌بخشه بی‌منت و بی‌هونه

الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم
کران بی‌کرانش زمین و آسمانش
جمع آفرینش، ستایش توانش

مالک یوم‌الدین
مالک روز جزا، جزای خوب و بدها
مؤمن و کافر همه، در محضر توانا

ایک نعید و ایک نستعین
خدای خوب قلبم، قبله‌ آشنایم
ستایشت واجب است، نیایشت لازم است

اهدنا صراط المستقیم
مرا به راه راست، بخوان و دعوت کن
از رحمت، یه ذره در قلب من روان کن

صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم
والظالمین
ما بچه‌های قرآن محافظت بفرما
یادشمنان دینت از هم سوا بفرما
سروده‌ی نسرین قاسمی



درخت بفشند

نویسنده: نیل سیلوراستاین

درخت گفت: من خانه‌ای ندارم خانه من جنگل است.
ولی تو می‌توانی شاخه‌هایم را ببری
و برای خود خانه‌ای بسازی و خوشحال باشی.
آنوقت پسرک شاخه‌هایش را برید و برد تا برای خود خانه‌ای بسازد و درخت خوشحال بود.
اما پسرک دیگر تا مدت‌ها باز نگشت

روزی روزگاری درختی بود. و پسر کوچولویی را دوست می‌داشت. پسرک هر روز می‌آمد بر گهایش را جمع می‌کرد از آنها تاج می‌ساخت و شاه جنگل می‌شد. از تنه‌اش بالا می‌رفت از شاخه‌هایش آویزان می‌شد و تاب می‌خورد و سیب می‌خورد. باهم قایم باشک بازی می‌کردند. پسرک هر وقت خسته می‌شد زیر سایه‌اش می‌خوابید. او درخت را خیلی دوست می‌داشت خیلی زیاد؛ و درخت خوشحال بود. اما زمان می‌گذشت. پسرک بزرگ می‌شد و درخت اغلب تنها بود. تا یک روز پسرک نزد درخت آمد. درخت گفت: بیا پسر، از تنه‌ام بالا بیا و با شاخه‌هایم تاب بخور. سیب بخور و در سایه‌ام بازی کن و خوشحال باش. پسرک گفت: من دیگر بزرگ شده‌ام، بالا رفتن و بازی کردن کار من نیست. می‌خواهم چیزی بخرم و سرگرمی داشته باشم. من به پول احتیاج دارم. می‌توانی کمی پول به من بدهی؟ درخت گفت: متأسفم، من پولی ندارم؛ من تنها برگ و سیب دارم. سببهایم را به شهر ببر بفروش؛ آن وقت پول خواهی داشت و خوشحال خواهی شد. پسرک از درخت بالا رفت و سیبها را چید و برداشت و رفت. درخت خوشحال شد. اما پسرک دیگر تا مدت‌ها باز نگشت. و درخت غمگین بود. تا یک روز پسرک برگشت. درخت از شادی تکان خورد. و گفت: بیا پسر، از تنه‌ام بالا بیا و با شاخه‌هایم تاب بخور و خوشحال باش. پسرک گفت: آنقدر گرفتارم که فرصت بالا رفتن از درخت زان ندارم. زن و بچه می‌خواهم و به خانه احتیاج دارم. می‌توانی به من خانه بدهی؟

یه کتاب خوب برای بچه‌های خوب

ساختن فوق‌العاده است

یه روز به فکر بکر توی ذهن یه دختر کوچولو جرقه می‌زنه و تصمیم می‌گیره بهترین اختراع جهان رو بسازه. پس دست به کار می‌شه... به همین راحتی! اما یه لحظه صبر کنید! انگار ساختن به اختراع، به همین راحتی هم نیست!...

این بخشی بود از کتاب «ساختن فوق‌العاده است». کتابی تصویری و جذاب درباره یک دختر و بهترین دوستش در دنیا که یک گرچه است. دختر یک ایده شگفت‌انگیز دارد، او می‌خواهد چیزی فوق‌العاده بسازد. او می‌داند فوق‌العاده‌ترین چیز چه شکلی است و چگونه کار می‌کند، پس تنها کاری که لازم است بکند ساختن آن است.

کتاب «ساختن فوق‌العاده است» برای بچه‌های ۶ تا ۱۲ سال نوشته شده و به این اشاره می‌کند که چطور با پشتکار و امید سعی کنیم راهمان را ادامه بدهیم و از شکست‌هایمان درس بگیریم تا سرانجام به موفقیت برسیم.

خالق کتاب «ساختن فوق‌العاده است» اشلی اسپایرز نویسنده و تصویرگر کانادایی است و شبنم حیدری پور آن را به فارسی برگردانده. ناشر کتاب در ایران انتشارات بر تقال است.

به این پسر کمک کنید به مدرسه برسد